

حادثه برخورد بالگرد امداد در سال ۹۱ باعث تشکیل گروه افتخار آفرین هوافضا در دانشگاه پیام نور شد

صعود پس از سقوط

زیر سایه حمایت‌های دانشجوی حقوق

بچه‌ها کارشان را زیر سایه حمایت‌های محمد اسدی که دانشجوی حقوق بود، شروع می‌کنند. بعضی از حمایت‌هایی که او انجام می‌داد، بعد از شهادتش در سوریه قطع می‌شود؛ با این حال بچه‌ها با مشکلات زیادی کارشان را شروع می‌کنند. مثلاً ساخت بال پرند معمولی حداقل ۲ یا ۳ میلیون تومان هزینه داشت، در حالی که کل بودجه انجمن‌های علمی ۱۵ یا ۲۰ میلیون تومان بود. می‌خواستند مسابقه شرکت کنند، دانشگاه هزینه سفر را پرداخت نمی‌کرد، یا بهانه می‌آورد. فضای کافی برای ساخت بال‌های پرندشان نداشتند و باید بین تیم رباتیک و سازه‌های ماکارونی بال پرند می‌ساختند. برای رفتن به هر مسابقه باید نظر مسئولان را جلب می‌کردند که بعضی وقت‌ها موفقیت آمیز بود و گاه بی‌نتیجه می‌ماند. برخی مسئولان کنارشان می‌آمدند و برخی سر برمی‌گرداند و می‌رفتند. همه فراز و فرودهایی که تیم هوافضا را بیشتر برای اوج گرفتن هوایی می‌کرد تا تسلیم شدن و سقوط کردن!

از رتبه ۵۰

تا کسب مقام‌های برتر

تیم هوافضای دانشگاه پیام نور بارهبری فیزیکی و معنوی محمد اسدی از ترم دوی به بعد وارد مسابقات جدی این حوزه می‌شود. در اولین مسابقه که دانشگاه پول رفت و آمد دانشجویان را تأمین نکرده بود، ناگهان سال ۹۲ همه چیز جور می‌شود و دانشجویان با تأمین شدن ۷۰۰ هزار تومان پول در خواستی، راهی مسابقات دانشگاه امیرکبیر می‌شوند؛ ۷۰۰ هزار تومانی که بعد از شهادت شهید اسدی معلوم شد از جیبش داده تا بچه‌ها از مسابقه باز نمانند. در آن دوره ۱۰۰ تیم شرکت می‌کنند که این بچه‌ها رتبه ۵۰ را می‌آورند. همان موقع است که اولین بار نارا حتی شهید محمد اسدی را هم می‌بینند که به آن‌ها می‌گوید: «این نتیجه چیزی که من برایش تلاش می‌کنم و شما راه انداخته نیست؛ باید خیلی قدرتمندتر ظاهر شوید.» حرفی که آویزه گوش بچه‌ها می‌شود برای شرکت در مسابقات بعدی که شهر یور

همان سال در اصفهان برگزار شد. بچه‌ها برای شرکت در آن مسابقه تلاش عجیب و غریبی به خرج می‌دهند. از ۸ صبح در دانشگاه بودند تا ۱۰ شب. صدای همه را در آورده بودند. از نگهبان بگیر تا رؤسای دانشگاه. می‌گفتند: «شماها دانشجوی غیر حضوری هستید. غیر از اینکه همه کلاس‌ها را می‌آیید صبح تا شب هم کار فوق برنامه انجام می‌دهید.»

بگذار این‌ها بچه‌بازی‌شان را بکنند!

بعد از آن بچه‌ها با چهار تیم راهی مسابقات دانشگاه مالک اشتر اصفهان می‌شوند. آن‌ها یکی از ۵۶ تیم شرکت کننده در مسابقات هستند و با کسب مقام سوم به دانشگاه برمی‌گردند. سلیمانی که فکر اسدی و حرف‌های او از سرش بیرون نمی‌رفته، همان‌جا به اوزنگ می‌زند و خبر مقام آوردنشان را می‌دهد و برای اولین بار شادی عمیق او را از شنیدن خبری احساس می‌کند. سلیمانی می‌گوید: به خاطر نزدیکی مسافت، خیلی از دانشگاه‌های تهران در مسابقات اصفهان شرکت کرده بودند. از دانشگاه کرج هم ۳ تیم برای مسابقات آمده بودند. تیم کرج که در ابتدا دو مقام اول و سوم این مسابقات را به دست آورده بود در مسابقه قبلی ما را بدچور دلگیر کرده بود. در سوله دانشگاه امیرکبیر نشسته بودیم در انتظار پرتاب. ما کنار تیم‌های کرجی بودیم که ۶ دوره متوالی مقام آورده بودند. شنیدیم که با همین لفظ گفتند: «بگذار این‌ها بچه‌بازی‌شان را بکنند بعد ما می‌رویم مقام‌مان را می‌آوریم.» همان‌طور هم شد. آن‌ها در آن مسابقات اول و سوم شدند و در اصفهان هم همین‌طور. ولی از آنجا که ما فیلم همه پرتاب‌ها را گرفته بودیم و نشان داورها دادیم نتیجه عوض شد. ما سوم و چهارم

و پنجم شدیم، آن‌ها هفتم! بچه‌ها برای شرکت در مسابقات بعدی نیاز به دانش بیشتری داشتند. همین می‌شود که از دانشگاه فردوسی استاد می‌آورند با هزینه‌ای که ۶ ماه بعد از دانشگاه نقد می‌شود. تجربه مسابقاتی خودشان را ضمیمه آموزش‌های استاد می‌کنند. کار پژوهشی انجام می‌دهند و گاهی حتی بر خلاف توصیه‌های او عمل می‌کنند و اتفاقاً نتیجه هم می‌گیرند.

شرکت در مسابقات دانشگاه امیرکبیر در سال ۹۳ برای بچه‌های گروه هوافضای دانشگاه پیام نور بسیار خاطره انگیز بود. با وجود اینکه به بهانه دیردرخواست دادن دانشجویان مجوز شرکت در مسابقه را نداده بودند ولی آن‌ها با مسئولیت خودشان ۴۰ نفری راهی تهران شدند و افتخار آفرین به خانه بازگشتند و مقام‌های بسیاری کسب کردند. مقام‌هایی که تا همین حالا هم ادامه پیدا کرده است.

مشکلات

بچه‌های هوافضا همیشه افتخاراتشان را در مشکلات و کمبودها کسب می‌کنند. اگر قرار بود بنشینند تا کسی مشکلتان را حل کند، پول بلیتشان جور شود، سرپرست تعیین شود و... شاید نیمی از مسابقات و افتخارات حالا راهم کسب نمی‌کردند. هر چند که خودشان می‌گویند گاه حمایت‌هایی هم از سوی مسئولان بوده که پشتشان را گرم کرده است. آن گونه که سلیمانی می‌گوید یکی از مشکلات دانشجویان هوافضا در دانشگاه

مریم قاسمی - ۲۴ آبان ۹۱ بود که روزنامه‌های سراسر کشور این خبر را منتشر کردند:

... یک فروند بالگرد هواپرواز ارتش جمهوری اسلامی ایران حین انجام مأموریت و کمک به سانحه دیدگان، دچار سانحه شد و خلبان و ۳ نفر از کارکنان هواپرواز ارتش جمهوری اسلامی ایران کشته شدند. در این حادثه چهار نفر از جمله استوار یکم علیرضا پیرمغان به شهادت رسیدند... علیرضا پیرمغان از دانشجویان قدیمی رشته حقوق دانشگاه بود. رفیق گرمابه و گلستان شهید محمد اسدی که در آن زمان دبیر شورای دبیران دانشگاه پیام نور بود. محمد اسدی به خاطر یکی بودن حرف و عملش در دانشگاه محبوبیت عجیبی داشت؛ برای همین وقتی با ارائه رشته هوافضا برای اولین بار در دانشگاه پیام نور انجمن هوافضا تشکیل شد و اسدی از معاون علمی شورای دبیران خواست گروهی قوی‌تر از انجمن برای هوافضا تشکیل شود، حرفش زمین نماند. می‌گفت: «ما باید در عرصه هوافضا به جایی برسیم که دیگر خلبان نترسد سوار بالگرد شود. نباید از قطعات ترس داشته باشد، نباید از مشکلات فنی بترسد...»

معاون علمی شورای دبیران آن زمان می‌گوید: شنیده بودیم آن بالگرد از بس مشکل داشته کسی حاضر نبوده برای انتقال مصدومان سوار آن شود. مصطفی سلیمانی ادامه می‌دهد: با همین هدف بود که کمیته هوافضا با حضور دانشجویانی از رشته‌های مختلف تأسیس شد؛ رشته‌هایی مثل مکانیک، کشاورزی، اقتصاد و... علاقه بچه‌ها به این رشته به حدی بود که وقت زیادی برای کمیته می‌گذاشتند؛ مثلاً بعد از مسابقات اقتصاد مقام سوم هوافضا را آورد.

